

رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان*

پیمان آزموده**، دکتر شهریار شهیدی***، دکتر عصمت دانش***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با دو مؤلفه از سلامت روانی به نامهای سرسختی و شادکامی در دانشجویان بود. آزمودنیها ۲۰۰ نفر (۱۰۴ زن و ۹۶ مرد) از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بودند. ابزارهای استفاده شده در تحقیق حاضر «پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی» آلپورت (۱۹۶۳)، «پیمایش زمینه‌یابی دیدگاههای شخصی» کوباسا (۱۹۸۷) و «سیاهه شادکامی آکسفورد» (۱۹۸۹)، بودند. براساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی از سرسختی و شادکامی بیشتری برخوردار بودند، همچنین بین جهت‌گیری‌های مذهب درونی و بیرونی و سرسختی و مؤلفه‌های آن (تعهد، مهار و مبارزه‌جویی) و شادکامی رابطه وجود داشت. یافته‌ها همچنین حاکی از آن بودند که افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی از تعهد، مهار و مبارزه‌جویی بیشتری برخوردار بودند. درکنار یافته‌های مربوط به فرضیه‌های اصلی یافته‌های دیگری نیز به دست آمد: زنان نسبت به مردان از «سرسختی» بیشتری برخوردار بودند. بین زنان و مردان از لحاظ «شادکامی» تفاوت معناداری وجود نداشت.

«جنس» دارای نقش تعاملی در رابطه بین مذهب و شادکامی بود بدین صورت که مردان دارای مذهب درونی نسبت به زنان دارای مذهب درونی از شادکامی بیشتری برخوردار بودند و به طور معکوس نیز زنان دارای مذهب بیرونی نسبت به مردان دارای مذهب بیرونی از شادکامی بیشتری برخوردار بودند. ضمناً یافته‌هایی نیز در مورد دو گروه دیگر مذهبی یعنی غیرمذهبی نامتمایز و بیش مذهبی نامتمایز به دست آمد. گروه سوم یعنی گروه غیرمذهبی نامتمایز در هیچیک از متغیرهای سنجیده شده با افراد دارای مذهب درونی تفاوت نداشت.

کلید واژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، سرسختی، شادکامی، دانشجویان.



● مقدمه

دیدگاه‌های متناقض و متعارض در ادبیات نظری و تجربی در زمینه «تأثیر مذهب بر سلامت روان» بسیار رایج است. برخی از تحقیقات (میلوسکی، ۲۰۰۲)، حامی ارتباط بین پیامدهای مثبت روانی و مذهب می‌باشد و برخی دیگر (سانوآ، ۱۹۶۹)، در اثبات وجود ارتباط بین «مذهب» و «سلامت روانی» شکست خورده‌اند. همین نتایج ضد و نقیض در زمینه ارتباط بین مذهب و «سرسختی»^۱ و همچنین ارتباط بین مذهب و «شادکامی»^۲ پیدا شده است. به عنوان مثال؛ مدی (۲۰۰۲)، یک ارتباط مثبت را بین مذهبی بودن و سرسختی در ۵۲ مأمور ارشد ارتش آمریکا یافت ولی کوباسا^۳ در ۱۹۸۳ یک ارتباط منفی بین سرسختی و مذهبی بودن - براساس فراوانی حضور در کلیسا - به دست آورد (به نقل از قربانی؛ ۱۳۷۷). پولوما و باندلتون (۱۹۹۰)، یک ارتباط مثبت بین مذهبی بودن و شادکامی فراگیر پیدا کردند ولیکن لويس، لانیگان و جوزف و فوکرت (۱۹۹۷)، هیچ ارتباطی بین مذهبی بودن و شادکامی نیافتند.

به لحاظ کاهش مشکلات مفهومی و تجربی که در زمینه تحقیق در مذهب ایجاد می‌شد، محققان بایستی یک سنجش دقیق‌تری بکار می‌بردند که ابعاد مختلف مذهبی بودن را منعکس کند (برگین، ۱۹۹۴). به نظر می‌رسد در مقایسه با دیگر رویکردها مفهوم گوردون آلپورت^۴ از «جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی»^۵ بیشترین تأثیر و کارآیی را داشته است (میدو و کاهو، ۱۹۸۴).

در مورد جهت‌گیریهای مذهبی درونی و بیرونی باید گفت در یک شخص دارای «مذهب درونی» عقاید محکم شخصی محوریت و اهمیت دارد در حالیکه جنبه‌های اجتماعی مذهب درونی^۶ ندارد اما برای افراد دارای «مذهب بیرونی»، انگیزه‌های مذهبی بودن به ارزشها و عقاید بیرونی یا اجتماعی تکیه دارند. آلپورت مذهب بیرونی را به عنوان یک مذهب نابالغ یا کمتر

رشد یافته نسبت به مذهب درونی توصیف می‌کرد (هانسبرگر^۱، به نقل از ایرنشاو، ۱۹۹۸). «سرسختی» و «شادکامی» نیز دو مفهومی هستند که می‌توان به آنها به عنوان مؤلفه‌های «سلامت روانی» نگاه کرد و وجود رابطه بین آنها و جهت‌گیری مذهب درونی و بیرونی را اثبات کرد. «سرسختی» مفهومی روانشناختی است که به شیوه خاص و با ثبات فرد در واکنش به رویدادهای زندگی اشاره دارد (دیماثو، ۱۳۷۸). این عامل روانشناختی از سه مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از: ۱. «تعهد»^۲، ۲. «مهار»^۳، ۳. «مبارزه‌جو»^۴. افراد متعهد نسبت به محیط اطرافشان «احساس تعهد» می‌کنند و خودشان را با فعالیتها و کارهایشان کاملاً درگیر می‌کنند. افراد دارای «مهار»، تجارب زندگی را قابل پیش بینی و مهار می‌دانند و در مواجهه با مشکلات، بیشتر بر مسئولیت خودشان تأکید می‌کنند تا دیگران و در آخر اینکه افراد «مبارزه‌جو» باور دارند که تغییر در زندگی امری طبیعی است و تغییرات گوناگون زندگی را که به سازگاری مجدد نیاز دارد، فرصتی برای یادگیری و رشد بیشتر می‌دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش خود. چنین باوری قدرت تحمل رویدادها و موقعیتهای تنیدگی‌زای زندگی را به همراه دارد (قربانی، ۱۳۷۳).

در مورد «شادکامی» نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است ولیکن تعریف ون هوون (۱۹۹۲)، از شادکامی به نظر جامع و مانع می‌آید «درجه و میزانی است که با آن یک فرد کیفیت کلی زندگیش را به عنوان یک زندگی کاملاً مطلوب مورد قضاوت قرار می‌دهد» (ص ۱۵). در تحقیق حاضر «جهت‌گیری مذهبی درونی» به عنوان عامل تأثیرگذار «مثبت» بر «سرسختی» و «شادکامی» در نظر گرفته شده است. دو دلیل و منطق عمومی برای رابطه مثبت مذهب (البته مذهب درونی) با سرسختی و شادکامی و یک دلیل خاص که تنها توجیه‌کننده رابطه بین مذهب و سرسختی است می‌توان بیان نمود:

سه منطق ارائه شده در مورد موضوع تحقیق را می‌توان به سه صورت زیر خلاصه نمود:

۱. تأثیر مثبت مذهب درونی بر سرسختی و شادکامی به عنوان مؤلفه‌ها یا زیرساختهای سلامت روانی.
۲. تأثیر مثبت مذهب درونی بر سرسختی و شادکامی به دلیل ایجاد معنا و هدف در زندگی.
۳. تأثیر مثبت مذهب درونی بر سرسختی به دلیل وجود رابطه مثبت بین مذهب درونی و برخی مؤلفه‌های تشکیل دهنده سرسختی، یعنی تعهد و مهار.

در تحقیق حاضر «جنس» نیز به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر سرسختی و شادکامی و جهت‌گیری مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیقات موجود در مورد تأثیر جنس بر «سرسختی» و «شادکامی» مشخصی را نشان نمی‌دهد به نظر دینر و همکاران (۱۹۹۵)، جنس یک

تفاوت کلی را در شادکامی ایجاد نمی‌کند، در یک تجزیه و تحلیل از ۱۴۶ مطالعه، جنس تنها ۱٪ تفاوت در حس بهزیستی را علیرغم چالش‌های مختلف توجیه می‌کرد ولیکن در مورد تأثیر جنس بر سرسختی طبق گفته‌ها و یافته‌های هانا و ماری (۲۰۰۲)، و هانا (۱۹۸۶)، «سن» و «جنس» در تعامل باهم بر روی «سرسختی» تأثیر می‌گذارند؛ یعنی در نوجوانی و جوانی «سرسختی» در زنان بیشتر و در مسن سالی در مردان بیشتر می‌باشد، البته چنین مسئله‌ای در مورد «شادکامی» نیز بیان شده است. مایکل آیزنگ در ۱۹۹۰ بیان می‌کند که زنان جوان کمی شادتر از مردان جوان هستند ولی زنان مسن کمتر از مردان مسن شادند (عابدی، ۱۳۸۱).

در یک بیان کلی در مورد جنس و عوامل مورد بررسی باید گفت که این احتمال وجود دارد که «مذهب درونی» و «سرسختی» در نمونه مورد بررسی، یعنی دانشجویان، در زنان بیشتر از مردان باشد ولیکن در مورد «شادکامی» طبق گفته‌های دینز و مایرز (۱۹۹۵)، می‌توان گفت که بین مردان و زنان تفاوت وجود ندارد البته طبق نظر آیزنگ (۱۹۹۰)، بایستی گفت که زنان بیشتر از مردان شادند زیرا این تحقیق بر روی دانشجویان، که یک قشر جوان هستند انجام شده است.

با توجه به پژوهشهایی که بین «مذهب» و «سرسختی» ارتباط مثبت یافته‌اند و با توجه به گفته آلپورت که «مذهب درونی» را صورت رسش یافته «مذهب» می‌داند، می‌توان به این نتیجه‌گیری رسید که افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از «سرسختی» بیشتری برخوردار هستند و نیز بین مذهب درونی و سرسختی و مؤلفه‌های آن (تعهد، مهار و مبارزه‌جویی) و «شادکامی» رابطه مثبت وجود دارد، همچنین بین جهت‌گیری مذهب بیرونی و همین متغیرها رابطه منفی وجود دارد. با توجه به مطالعات انجام شده (مانند فرنچ، جوزف ۱۹۹۹؛ فرانسیس، کاتز ۲۰۰۲) و گفته‌های برخی از محققان (مانند جونز ۲۰۰۳؛ ایرنشاو، ۱۹۹۸) تنها مذهبی در ایجاد شادکامی مؤثر است که معنا دهنده باشد و با در نظر گرفتن این امر که مذهب درونی معنادهنده می‌باشد، می‌توان گفت که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی از «شادکامی» بیشتری برخوردار هستند.

● روش

○ برای انجام تحقیق حاضر در مورد دانشجویان، ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی از دو جنس زن (۱۰۴) و مرد (۹۶) به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. از لحاظ ویژگی‌های جمعیت شناختی این آزمودنیها در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال با میانگین سنی ۲۰/۴۶ قرار داشتند و بیشترین تعداد آزمودنیها در رده سنی ۱۹ سال قرار داشت. نزدیک به ۹۴٪ آنها

غیرشاغل و مجرد بودند و بقیه آنها شاغل و متأهل بودند.

○ در تحقیق حاضر از سه پرسشنامه و سیاهه استفاده شده است که عبارتند از:

□ ۱. «پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی»^{۱۱} آلپورت و فگین (۱۹۶۳). آلپورت بر مبنای کوششهای نظری‌اش سعی در ساختن مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیریهای مذهبی نمود. او به همین منظور یک مقیاس ۲۰ گزینیه‌ای ساخت که ۱۱ گزینیه آن به «جهت‌گیری بیرونی» و ۹ گزینیه دیگر به «جهت‌گیری درونی» اشاره می‌کردند. اعتبار مقیاس توسط جانیزدگی در یک گروه نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاههای استان تهران با اعتبار ۰/۷۳۷ بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه گردید. (مختاری، ۱۳۷۹) در پژوهش مختاری (۱۳۷۹)، نیز اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱۲ به دست آمد.

□ ۲. بررسی زمینه‌های دیدگاههای شخصی^{۱۱}: جزء دسته سوم «پرسشنامه سرسختی»^{۱۲} است (مدی، ۱۹۸۷؛ به نقل از عطاری و همکاران، ۱۳۷۸). این «پیمایش» توسط سوزان کوباسا جهت سنجش «سرسختی» تنظیم شده است این آزمون از سه مؤلفه «مبارزه‌جویی»، «تعهد» و «مهارت» تشکیل شده است که هر یک از آنها به ترتیب ۱۷، ۱۶ و ۱۷ ماده از آزمون را به خود اختصاص داده‌اند، نمرات ۳۹ ماده از آزمون به صورت وارونه محاسبه می‌شود. برای هر یک از مقیاسهای «مبارزه‌جویی»، «تعهد» و «مهارت» نمره جداگانه‌ای ارائه می‌شود و میانگین غیروزنی نمرات این سه مقیاس به عنوان نمره کل «سرسختی» محسوب می‌شود. سه مؤلفه این پرسشنامه از روایی و همسانی درونی مطلوبی برخوردار است و تحلیل عوامل نشان داده است که این سه عامل با یکدیگر مرتبط هستند (اوپلتی^{۱۳} ۱۹۹۰؛ به نقل از قربانی، ۱۳۷۳).

□ ۳. سیاهه شادکامی آکسفورد^{۱۴}: در میان پرسشنامه‌های مختلف شادکامی، «سیاهه شادکامی آکسفورد» جایگاه ویژه‌ای دارد و در پژوهشهای چندی به کار رفته است. این سیاهه در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل^{۱۵} و لو^{۱۶} تهیه شده است. چون آزمون بک یکی از موفقترین مقیاسهای افسردگی بوده است، آرگایل پس از رایزنی بابک بر آن شد تا جملات «سیاهه افسردگی بک»^{۱۷} را معکوس کند. بدین ترتیب ۲۱ ماده تهیه شد. سپس ۱۱ ماده به آن افزوده گردید. بعد از آن این سیاهه ۳۲ ماده‌ای روی ۸ دانشجو اجرا شد و از دانشجویان خواسته شد تا گزینه‌ها را مرتب کنند و درباره روایی صوری پرسشها نیز قضاوت کنند. این امر سبب تغییر برخی مواد آزمون و حذف ۳ ماده نیز گردید و بنابراین فرم نهایی سیاهه ۲۹ ماده دارد (نور بالا، ۱۳۷۸). از نظر اعتبار «سیاهه شادکامی آکسفورد»، در تحقیق نوربالا (۱۳۷۸)، بر روی ۲۵ نفر از دانشجویان، آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد که در مقایسه با پژوهشهای دیگران بالاتر است. آرگایل (۱۹۹۰)، آلفای ۰/۹۰ فرانهام^{۱۸}

و بروینگ^{۱۹} (۱۹۹۰)، آلفای ۰/۸۷ و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸)، آلفای ۰/۸۹ و ۰/۹۰ را به دست آوردند. از نظر اعتبار «سیاهه شادکامی آکسفورد» در تحقیق نوربالا (۱۳۷۸)، با حجم نمونه بسیار کم (۲۵ دانشجو) ضریب ۰/۷۹ پس از سه هفته به دست آمد. آرگایل و لو (۱۹۹۰)، اعتبار بازآزمایی ۰/۷۸ را پس از ۶ هفته و ۰/۶۷ را پس از ۵ ماه گزارش کرده‌اند. نوربالا (۱۳۷۸)، با فرمی کوتاهتر از «سیاهه شادکامی آکسفورد» اعتبار ۰/۷۱ را پس از ۸ ماه گزارش کرده است.

برای تعیین چهارگروه موجود از روش دونیمه سازی کردن میانگین‌ها یعنی همان روش مورد نظر هود استفاده گردید یعنی با در نظر گرفتن اینکه برای هر آزمودنی ۲ نمره در دو مقیاس «مذهب درونی» و «مذهب بیرونی» وجود داشت. ابتدا میانگین نمره‌های مذهب درونی و مذهب بیرونی به دست آمد و سپس آزمودنی‌هایی که در مذهب درونی بالاتر از میانگین و در مذهب بیرونی پایین‌تر از میانگین قرار داشتند به عنوان افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی یا گروه اول مشخص می‌شدند. آزمودنی‌هایی که به گونه معکوس در مذهب بیرونی بالاتر از میانگین و در مذهب درونی پایین‌تر از میانگین قرار داشتند به عنوان افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی یا گروه دوم مشخص می‌شدند. افرادی که در هر دو مقیاس نمره‌های پائین‌تر از میانگین می‌آوردند به عنوان افراد غیر مذهبی نامتمايز، یا گروه سوم مشخص می‌شدند. افرادی که در هر دو مقیاس نمره‌های بالاتر از میانگین را می‌آوردند به عنوان افراد «بیش مذهبی نامتمايز» یا گروه چهارم مشخص می‌شدند. البته دو «سیاهه شادکامی آکسفورد» و «بیمایش زمینه‌های دیدگاه‌های شخصی» نیز از همان بدو تحقیق به طور همزمان همراه با «پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت» گرفته می‌شد و سپس این چهار گروه نمراتشان در «سرسختی» و مؤلفه‌های آن (مهاری، تعهد، مبارزه جویی) و «شادکامی» مورد محاسبه و مقایسه قرار می‌گرفت.

● نتایج

بر اساس جدول ۱ مشخص شد که بین چهار گروه دارای جهت‌گیری‌های مذهبی مختلف در «سرسختی» تفاوت معناداری وجود دارد و نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که بین گروه اول و گروه دوم یعنی افراد دارای مذهب درونی و مذهب بیرونی با نمره تفاوت میانگین ۹/۳۸۷۱ ($p > 0/01$)، تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از سرسختی بیشتری برخوردار هستند. اما بر طبق داده‌های آزمون شفه بین گروه اول و گروه سوم یعنی افراد دارای مذهب درونی با افراد غیر مذهبی نامتمايز با نمره تفاوت میانگین ۱/۹۴۸۶ تفاوت معناداری در سرسختی وجود ندارد ولیکن بین گروه اول و گروه چهارم

یعنی بین افراد دارای مذهب درونی و افراد بیش مذهبی نامتمایز با نمره تفاوت میانگین برابر با $5/6322$ ($p=0/011$)، تفاوت معناداری در سرسختی وجود دارد. در جدول ۱ تحلیل واریانس در مورد جنس نیز مشخص شد که تفاوت بین دو جنس از لحاظ ویژگی شخصیتی «سرسختی» معنادار است و می‌توان گفت که زنان در این نمونه پژوهشی سرسخت‌تر از مردان هستند. اما در مورد تأثیر تعامل بین جنس و جهت‌گیریهای مذهبی بر روی «سرسختی» گفتنی است که طبق داده‌های تحلیل واریانس دو راهه چنین تعاملی معنادار نیست، بنابراین جنس دارای نقش تعدیل‌کننده در سرسختی نمی‌باشد.

جدول ۱- تحلیل واریانس دو راهه برای جهت‌گیری مذهبی و جنس در سرسختی

| سطح معنادار | F | درجه آزادی | انحراف | میانگین | تعداد | دماج تغییر | |
|-------------|-------|------------|--------|---------|-------|--------------------|--|
| 0/001 | 15/77 | 3 | 7/83 | 66/15 | 71 | درونی | |
| | | | 9/02 | 56/76 | 56 | بیرونی | |
| | | | 9/19 | 64/20 | 29 | غیرمذهبی نامتمایز | |
| | | | 9/81 | 60/52 | 44 | بیش مذهبی نامتمایز | |
| 0/049 | 3/809 | 1 | 9/017 | 62/67 | 106 | زن | |
| | | | 10/18 | 61/24 | 49 | مرد | |
| NS | 2/200 | 3 | 7/97 | 66/53 | 32 | زن درونی | |
| | | | 8/408 | 59/45 | 37 | زن بیرونی | |
| | | | 8/69 | 64/94 | 17 | زن غیرمذهبی | |
| | | | 9/62 | 60/55 | 20 | زن بیش‌مذهبی | |
| | | | 7/8 | 65/84 | 39 | مرد درونی | |
| | | | 7/98 | 51/52 | 19 | مرد بیرونی | |
| | | | 10/15 | 63/16 | 12 | مرد غیرمذهبی | |
| | | | 10/17 | 60/50 | 24 | مرد بیش‌مذهبی | |

بر اساس جدول ۲ مشخص شد که همانند «سرسختی» در «شادکامی» نیز بین چهار گروه مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد. از آزمون تعقیبی شفه به دست آمده که تفاوت در «شادکامی» تنها بین افرادی دارای مذهب درونی با افراد دارای مذهبی بیرونی معنادار است. این دو گروه با نمره تفاوت میانگین $6/3812$ ($p=0/037$)، به طور معناداری در شادکامی با هم تفاوت دارند و افراد دارای مذهب درونی نسبت به مذهب بیرونی دارای شادکامی بیشتری می‌باشند. بین گروه اول و گروه سوم با نمره تفاوت میانگین برابر با $4/3735$ و بین گروه اول و گروه چهارم نیز با نمره تفاوت میانگین برابر با $4/3735$ و بین گروه اول و گروه چهارم نیز با نمره تفاوت میانگین برابر با $5/8092$ نیز تفاوت معناداری در شادکامی وجود ندارد.

جدول ۲- تحلیل واریانس دوره‌ها برای جهت‌گیری مذهبی و جنس در شادکامی

| سطح معنادار | F | درجه آزادی | انحراف | میانگین | تعداد | منابع تغییر | |
|-------------|------|------------|--------|---------|-------|--------------------|--|
| .۰۰۵ | ۴/۲۰ | ۳ | ۱۱/۷۶ | ۷۵/۷۱ | ۷۱ | درونی | |
| | | | ۱۲/۳۴ | ۶۹/۳۵ | ۵۶ | بیرونی | |
| | | | ۸/۷۹ | ۷۱/۳۴ | ۲۹ | غیر مذهبی نامتمایز | |
| | | | ۱۵/۴۴ | ۶۹/۴۴ | ۲۴ | بیش مذهبی نامتمایز | |
| NS | ۳/۰۷ | ۱ | ۱۱/۰۲ | ۷۲/۸ | ۱۰۶ | زن | |
| | | | ۱۴/۳۵ | ۷۱/۱۴ | ۹۴ | مرد | |
| .۰۰۴ | ۴/۵۸ | ۳ | ۱۲/۳۹ | ۷۲/۸۴ | ۳۲ | زن درونی | |
| | | | ۹/۵۹ | ۷۳/۰۲ | ۳۷ | زن بیرونی | |
| | | | ۷/۲۷ | ۷۲/۱۱ | ۱۷ | زن غیر مذهبی | |
| | | | ۱۴/۱۹ | ۷۲/۹۰ | ۲۰ | زن بیش مذهبی | |
| | | | ۱۰/۰۸ | ۷۸/۰۷ | ۳۹ | مرد درونی | |
| | | | ۱۴/۱۴ | ۶۲/۲۱ | ۱۹ | مرد بیرونی | |
| | | | ۱۰/۸۴ | ۷۰/۲۵ | ۱۲ | مرد غیر مذهبی | |
| | | | ۱۶/۲۷ | ۶۷/۴۱ | ۲۴ | مرد بیش مذهبی | |

در مورد تفاوت بین دو جنس در «شادکامی» نیز طبق جدول ۲ تحلیل واریانس دو راهه دوم مشخص می‌باشد که تفاوت بین دو «جنس» از لحاظ ویژگی شادکامی معنادار نیست. بنابراین زنان و مردان از لحاظ ویژگی شادکامی با هم تفاوت معناداری ندارند.

اما در مورد تأثیر تعاملی جهت‌گیری مذهبی و جنس در «شادکامی»، یافته‌ها نشان دهنده این امر هستند که تعامل بین جنس و جهت‌گیری مذهبی در شادکامی معنادار است بر اساس داده‌های توصیفی مشخص شده است که در شادکامی مردان دارای مذهب درونی نسبت به زنان دارای مذهب درونی نمرات بالاتری را در شادکامی به دست آوردند ولی در سه گروه دیگر؛ یعنی «مذهب بیرونی»، «غیر مذهبی نامتمایز» و «بیش مذهبی نامتمایز» زنان نسبت به مردان نمرات بیشتری را در شادکامی به دست آوردند.

در مورد مؤلفه‌های «سرسختی»، یعنی «تعهد»، «مهار» و «مبارزه جوی» نیز طبق آزمونهای تحلیل واریانس یک‌راهه مشخص شد که تفاوت بین گروه‌های مختلف مذهبی در مؤلفه «تعهد» با نمره $F=12/420$ ($p<0/01$) معنادار می‌باشد. بر طبق آزمون تعقیبی شفه، افراد دارای مذهب درونی نسبت به مذهب بیرونی در مؤلفه تعهد با نمره تفاوت میانگین برابر با $12/44$ ($p<0/01$) به طور معناداری متفاوت هستند. بنابراین می‌توان گفت افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از تعهد بیشتری برخوردار هستند.

در مؤلفه «مهاری»، بین چهار گروه مذهبی با نمره $F=6/177$ ($p<0/01$) تفاوت معناداری وجود دارد بر طبق آزمون تعقیبی شفه بین گروه اول و گروه دوم با نمره تفاوت میانگین $8/278$ ($p<0/01$)، تفاوت معناداری وجود دارد. پس باید گفت افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از «مهاری» بیشتری برخوردار هستند.

بین جهت‌گیریهای مذهبی مختلف در مؤلفه «مبارزه جویی» با نمره $F=5/23$ ($p<0/01$)، تفاوت معناداری وجود دارد. بر طبق داده‌های آزمون شفه بین گروه اول و گروه دوم با نمره تفاوت میانگین $7/209$ ($p=0/017$) به طور معناداری در مبارزه جویی وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی از مبارزه جویی بیشتری برخوردار هستند.

در مورد ماتریس همبستگی گرفته شده می‌توان گفت همانگونه که در جدول ۳ نیز مشخص است به استثنای ارتباط بین «مذهب بیرونی» با کلیه مؤلفه‌ها، سایر ارتباط‌ها مثبت بود و به استثنای ارتباط بین «مذهب درونی» و «مبارزه جویی»، سایر ارتباط‌ها معنادار بود.

جدول ۳- ماتریس همبستگی

| مذهب بیرونی | سرسختی | تعهد | مهاری | مبارزه جویی | شادکامی | |
|-------------|--------|--------|--------|-------------|---------|-------------|
| 0/274 | -0/260 | 0/325 | 0/222 | 0/38 | 0/252 | مذهب درونی |
| 0/001 | -0/001 | 0/001 | -0/001 | NS | 0/001 | |
| 1/000 | -0/302 | -0/273 | 0/181 | -0/246 | -0/133 | مذهب بیرونی |
| | -0/001 | 0/001 | -0/005 | 0/001 | -0/31 | |
| | 1/000 | 0/852 | 0/787 | 0/695 | 0/516 | سرسختی |
| | | 0/001 | 0/001 | 0/001 | 0/001 | |
| | | 1/000 | 0/619 | 0/361 | 0/524 | تعهد |
| | | | 0/001 | 0/001 | 0/001 | |
| | | | 1/000 | 0/256 | 0/466 | مهاری |
| | | | | 0/001 | -0/001 | |
| | | | | 1/000 | -0/214 | مبارزه جویی |
| | | | | | 0/001 | |

● بحث و بررسی

هدف از انجام این پژوهش «بررسی تأثیر مذهب درونی و مذهب بیرونی بر سرسختی و شادکامی» بود. همانگونه که انتظار می‌رفت افراد دارای مذهب درونی سرسخت‌تر از افراد دارای مذهب بیرونی بودند. یافته‌ها نشان دادند که مذهب بیرونی تأثیر مثبتی بر شادکامی و مبارزه جویی دارد. همچنین یافته‌ها نشان دادند که مذهب درونی تأثیر مثبتی بر تعهد و مبارزه جویی دارد. بنابراین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی (کوهن، ۱۹۹۸)، سازگار است، بنابراین تحقیقات آنها

مشخص شد که در یک گروه از کشیشان پروتستان، مذهب درونی می‌تواند سپری در برابر تنیدگی باشد و در واقع این مفهوم می‌تواند همان سرسختی باشد.

○ در مورد «شادکامی» نیز همانگونه که انتظار می‌رفت افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از شادکامی بیشتری برخوردارند. این یافته می‌تواند توجیه‌کننده نتایج ضد و نقیضی باشد که در این زمینه وجود داشته است به نوعی، اگر مذهب را به عنوان مذهب درونی تعبیر کنیم یعنی مذهبی که به شخص در زندگی معنا و هدف می‌دهد این مذهب می‌تواند شادکامی را برای فرد به ارمغان بیاورد این یافته می‌تواند تأییدکننده گفته‌ای دینز و مایرز (۱۹۹۵) و اسدرو و همکاران (۲۰۰۰) و جونز (۲۰۰۳)، باشد.

○ افراد دارای «مذهب درونی»، از افراد بیش مذهبی نامتمایز نیز «سرسخت‌تر» بودند ولیکن از افراد غیر مذهبی نامتمایز سرسخت‌تر نبودند. البته همانگونه که هود (۱۹۷۶)، بیان کرده افراد «بیش مذهبی نامتمایز» با هر دو عبارت مذهب درونی و بیرونی موافق هستند یعنی به عبارتی دیگر هم درونی می‌باشند و هم بیرونی. در مورد این یافته شاید بتوان این منطقی را پذیرفت که این افراد علاوه بر مزایای داشتن مذهب درونی از معایب مذهب بیرونی برخوردارند و همین امر موجب شده است تا نمرات کمتری را در «مقیاس سرسختی» به دست آورند. البته احتمال دیگری هم که می‌توان داد این است که این طبقه همانگونه که از اسمش نیز پیداست یک گروه نامتمایز باشد و به همین دلیل ممکن است هر دو گروه مذهب درونی و بیرونی در آن وجود داشته باشند ولیکن شاید به علت برداشت خاصی که از سؤالات داشته‌اند در یک طبقه قرار گرفته‌اند. این یافته با گفته میلووسکی (۲۰۰۲)، مغایرت دارد. به نظر میلووسکی داشتن هر دو مذهب درونی و بیرونی در ترکیب با هم مزایای بیشتری را نسبت به داشتن تنها مذهب درونی دارد و به همین دلیل افراد «بیش مذهبی نامتمایز» در سنجشهای بهزیستی روانی (همچون سرسختی)، باید نمرات بالاتری را نسبت به افراد دارای مذهب درونی بیاورند.

○ نتایج مربوط به افراد «غیر مذهبی نامتمایز» غیر منتظره به نظر می‌رسد. این افراد با اینکه بر طبق گفته هود (۱۹۷۶)، نه دارای مذهب درونی و نه دارای مذهب بیرونی هستند با این حال نسبت به افراد دارای مذهب درونی تفاوت معناداری در «سرسختی» و «شادکامی» ندارند، شاید این افراد مصداق گروهی هستند که به عنوان گروه معنوی مشخص می‌شوند این گروه معنوی شاید خدای مشخصی را باور نداشته باشند و بخاطر یک قدرت الهی به دنبال کارهای بشر دوستانه نروند. آنها فقط تابع یک حس درونی هستند که شاید بتوان به آن «وجدان» نامید و شاید همین وجدان هست که به آنها در برابر زندگی و دیگران «احساس مسئولیت» می‌دهد و آنها را در برابر سختیها و موانع

موجود تجهیز می‌کند البته بیان این مطلب مهم است که شاید آنها بی‌اعتقاد به خدا نباشند ولیکن خدایی که به آن معتقدند در چارچوب مقررات و قوانین خاصی قرار ندارد بلکه بیشتر یک امر درونی است (شهیدی، ۱۳۷۸)؛ و شاید همین امر موجب شده است تا از لحاظ «سرسختی» با افراد دارای مذهب درونی تفاوت معناداری نداشته باشند. در اینجا بیان این مطلب شایسته است که گروه‌های سوم و چهارم از جمله گروه‌هایی هستند که ناشناخته مانده‌اند و باید در جهت شناخت آنها تحقیقات، بیشتر با عمق بیشتری صورت گرفته شود. در واقع در اکثر تحقیقات، سرمایه گذاری اصلی بر روی گروه‌های اول و دوم یعنی «درونی» و «بیرونی» صورت گرفته است حتی خود آکپورت نیز این دو گروه را از نمونه‌های خود حذف می‌کرد (ون هون، ۱۹۸۵)، و آنها را جزء نمونه‌های نامعتبر به حساب می‌آورد و برخی دانشمندان نیز همانند باتسون نیز اساساً از طبقه‌بندی‌های دیگری مثل جهت‌گیری‌های مذهب درونی و بیرونی و جستار استفاده می‌کردند (ایرنشاو، ۱۹۹۸) که این دو گروه اصلاً در آنها جایی نداشت.

○ «زنان» دانشجو نسبت به «مردان» دانشجو از «سرسختی» بیشتری برخوردار هستند که این یافته تأییدکننده یافته‌های هانا و ماری (۲۰۰۱)، و هانا (۱۹۸۶)، می‌باشد. طبق گفته هانا و ماری در نوجوانی و جوانی، زنان از مردان سرسخت‌تر می‌باشند ولیکن با مسن‌تر شدن افراد، مردان سرسختی بیشتری را نسبت به زنان از خود نشان می‌دهند. البته این سرسختی بیشتر در زنان را می‌توان در حضور گسترده‌تر زنان (مخصوصاً قشر جوان) در فعالیت‌های مختلف نسبت به سال‌های قبل دانست. می‌یگرارش می‌دهد که مثلاً در اتریش و سوئیس به ترتیب ۲۸ و ۴۸ درصد پست‌های مدیریتی را زنان اشغال کرده‌اند، این در حالی است که در ایالات متحده آمریکا این مقدار برابر با ۱۷ درصد می‌باشد. در ایران نیز طبق گفته‌های و دادهیر (۱۳۸۱)، افزایش چشمگیری در حضور زنان در آموزش عالی دیده می‌شود. امروزه در اکثر کشورهای دنیا نقش‌های جنس عمیقاً تغییر پیدا کرده است و در راستای افزایش مشارکت زنان در کلیه امور اجتماعی از جمله آموزش عالی پیش می‌رود (به نقل از و دادهیر، ۱۳۸۱). همچنین بیان این مطلب نیز جالب است که بعد از دهه ۱۹۸۰ رابطه معکوس بین انگیزه پیشرفت و جنس پیدا نکرد که در تحقیق زارع (۱۳۷۳)، نیز این مسئله تأیید شد که یکی از دلایل آن‌را می‌توان از بین رفتن موانع فرهنگی و اجتماعی موجود و آماده شدن زمینه و بستر مناسب جهت رقابت و مشارکت بیشتر زنان دانست (زارع، ۱۳۷۳). و همین مسئله، یعنی آماده شدن زمینه مناسب برای رقابت و پیشرفت ممکن است محرک لازم را برای زنان فراهم کند تا با سرسختی هر چه بیشتر جهت دستیابی به اهدافی که قبلاً وصول آنها برای ایشان ممکن نبود، اقدام نمایند. در مورد «شادکامی» نیز تفاوت معنادار

نشد که این یافته هماهنگ با یافته‌های نور بالا (۱۳۷۸)؛ آیزنک (۱۹۹۰)؛ به نقل از عابدی، (۱۳۸۱)؛ دینر و مایرز (۱۹۹۵) می‌باشد و با یافته آرگایل و همکاران (۱۹۹۵) (به نقل از نوربالا ۱۳۷۸) و هانا و ماری (۲۰۰۱)، مخالفت می‌باشد. همانگونه که دینر و دیگران (۱۹۹۵)، نیز عنوان کرد زنان دو برابر مردان نسبت به افسردگی و اضطراب ناتوان‌کننده آسیب پذیرند و مردان ۵ برابر زنان نسبت به الکلیسم و اختلال شخصیتی ضد اجتماعی آسیب پذیرتر هستند ولیکن هنوز به طور کلی هیچ جنسی نسبت به «جنس» دیگر «شادکامی» بیشتری را نشان نمی‌دهد.

○ یافته دیگر این بود که «جنس» نقش تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سرسختی ندارد اما در رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و شادکامی نقش تعاملی هست؛ طبق نتایج به دست آمده چنانچه زنان دارای «مذهب بیرونی» باشند، نسبت به مردان همگروه خود از «شادکامی» بیشتری برخوردار می‌باشند ولی بالعکس اگر چنانچه زنان دارای «مذهب درونی» باشند مردان همگروه آنها دارای «شادکامی» بیشتری خواهند بود. در واقع این احتمال وجود دارد که زنان نسبت به مردان بیشتر از منافع مذهب بیرونی، همانند حمایت اجتماعی و به دست آوردن مقام و موقعیت بوسیله مذهب، استفاده می‌برند و لذت می‌برند ولی مردان نسبت به زنان، بیشتر از منافع مذهب درونی همانند آرامش درونی ایجاد شده بخاطر ارتباط درونی با یک منبع آرام بخش لذت می‌برند. این یافته مطلب جالبی است که به انحاء مختلف قابل تفسیر است از جمله اینکه جامعه، نیاز زنان را برای دریافت تأمین و حمایت اجتماعی تقویت می‌کند و زنان به لحاظ ویژگیهای زیستی (طول عمر بیشتر از مردان و سالمندی بیشتر) و شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص (خطر پذیری بیشتر در مقابل طلاق و فروپاشی خانواده) بیش از مردان نیازمند حمایت‌های تأمین اجتماعی، به نظر می‌رسند. این در حالی است که آنان به دلیل شرایط نابرابر با مردان در بازار کار، محدودیتهای فرهنگی و مسئولیتهای اجتماعی، مجال کمتری برابر حضور اقتصاد رسمی و بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی دارند (جباری، ۱۳۸۲)، یک پژوهش نشان می‌دهد که زنان در مورد باورها و موقعیتهای اجتماعی که در آن رقابت وجود دارد (مثل کسب موقعیت بالای اجتماعی، محبوبیت اجتماعی) ترس و هراس بیشتری از مردان دارند (شهیدی، ۱۹۹۲). شاید اینگونه نیز بتوان بحث کرد که مذهب، ابزاری برای روبرویی و کنار آمدن با این هراسهای اجتماعی است.

○ در این پژوهش بین «شادکامی» و «سرسختی» ارتباط مثبتی وجود داشت که این یافته تأیید کننده یافته هانا و ماری (۲۰۰۲)، می‌باشد. آنها یافتند که از جمله تعیین‌کننده‌های سرسختی، «شادکامی» می‌باشد. افراد دارای مذهب درونی نسبت به افراد دارای مذهب بیرونی از

«تعهد»، «مهار» و «مبارزه جویی» بیشتری برخوردار بودند. از دلایلی که موجب می‌شود تا افراد دارای مذهب درونی احساس تعهد، مهار و مبارزه‌جویی بیشتری داشته باشند، این است که آنها هدفمند زندگی می‌کنند. ولیکن در نهایت باید گفت که افراد دارای مذهب درونی، نسبت به مذهبی بیرونی سرسخت‌تر، شادکام‌تر و دارای تعهد، مهار و به مبارزه جویی بیشتری بودند. زنان نسبت به مردان سرسخت‌تر بودند اما تفاوت معناداری در «شادکامی» با یکدیگر نداشتند. مذهب درونی در واقع صورت ریش یافته مذهب است (آلپورت؛ به نقل از قربانی ۱۳۷۷)، که می‌تواند دارای تأثیرات مثبتی بر روی شخصیت افراد باشد و سپری در برابر سختیها و عاملی در جهت شادکامی افراد باشد. مهم این است که ما مذهب را به عنوان بُعدی از وجود خودمان در نظر بگیریم که تمام اعمال و هدفها و فعالیتهای ما را یکپارچه می‌سازد (جونز، ۲۰۰۳)، و به ما معنا و هدف در زندگی می‌دهد (ایرنشواو، ۱۹۹۸)، این مذهب نه تنها مصلحت برای سلامت روان نیست بلکه عامل مؤثری در ایجاد بهزیستی روانشناختی می‌باشد. بنابراین اگر از طریق رسانه‌های جمعی و آموزش و پرورش بتوان «ارزشهای مذهبی» را در افراد «درونی» کرد و به نوعی این فرهنگ را در افراد ایجاد کرد که به «مذهب» بخاطر خود مذهب توجه کنند نه بخاطر منافع بیرونی در آن صورت می‌توان ادعا نمود که گامی در جهت ایجاد و افزایش «سلامت روانی» در افراد برداشته‌ایم.



یادداشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1- Hardiness | 2- Happiness |
| 3- Kobasa | 4- Gordon Allport |
| 5- Intrinsic & extrinsic religious orientation | 6- Hansberger |
| 7- Commitment | 8- Control |
| 9- Challenge | 10- Religious Orientation Questionnaire |
| 11- Personal Views Survey | 12- Hardiness Questionnaire |
| 13- Olivetti | 14- Oxford Happiness Inventory(OHI) |
| 15- Argyle | 16- Lu |
| 17- Beck Depression Inventory (BDI) | 18- Furnham |
| 19- Brewing | |

منابع

- بهرامی احسان، هادی. (۱۳۷۸). بررسی مؤلفه‌های بنیادین سازش‌یافتگی در بین آزادگان ایرانی. پایان نامه دکتری. دانشگاه

www.SID.ir
 تهیه مدرس تهران.

- جباری، حبیب. (۱۳۸۲). نگرش جنسیتی به تأمین اجتماعی. فصلنامه پژوهشی زنان. دوره ۱، (۶) ص ۱۹-۱.

- دیماتتو، رابین ام. (۱۳۷۸). روانشناسی سلامت. ترجمه مهدی موسوی اصل، محمدرضا سالاری فر، مسعود آذربایجانی، اکبر عباسی و دکتر کیانوش هاشمیان. تهران: سمت.
- زارع، حسین. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت، جنبیت و عزت نفس. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شهیدی، شهریار. (۱۳۷۸). معنویت و روان‌درمانی. سخنرانی ماهانه انجمن روانشناسی ایران. فرهنگسرای اندیشه.
- عابدی محمدرضا. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه اثر بخشی روش‌های مشاوره شفلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی و سازگاری شفلی و مدل شناختی و رفتار شادمانی فوردایس بر کاهش فرسودگی شفلی مشاوران آموزش و پرورش شهر اصفهان. پایان نامه دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- عطاری، یوسفعلی، حقیقی، جمال؛ سینا رحیمی، علی و سلیمی‌نیا، لیلا. (۱۳۷۸). سرسختی و مؤلفه های آن با سلامت روانی در دانشجویان دوره کارشناسی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی. سال ششم شماره‌های ۳ و ۴ ص ۱۸-۱.
- قربانی، نیما. و واتسن، پل جی (۱۳۷۷). روانشناسی دین در جوامع مسلمین. ترجمه پونه بنا کار حقیقی، قیسات. سال سوم. شماره‌های ۲ و ۳. ص ۷۱-۵۲.
- قربانی، نیما. (۱۳۷۴). ارتباط سخت‌رویی، الگوی رفتاری تیپ A و رفتار مستعد بیماریهای کرونری (تیپ B). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- قربانی، نیما. (۱۳۷۷). یک روی آورد علمی چند تباری. قیسات. سال سوم. شماره‌های ۲ و ۳. ص ۴۱-۲۲.
- نوربالا، احمد علی؛ علی پور، احمد. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاههای تهران. اندیشه و رفتار. سال پنجم. شماره‌های ۱ و ۲. ص ۴۰-۲۸.
- و دادهیر، ابوعلی. (۱۳۸۱). زنان و آموزش عالی. کتاب زنان. شماره ۱۵. ص ۴۵-۲۸.

- Bergin, A. E. (1994). Religious life-styles & mental Health. In I. B. Brown (ed.), *Religion, personality & mental health* (pp.69-93). New York: Springer.
- Carson, V. B. (1992). Spiritual well-being: A predictor of hardiness in patients with AIDS. *Journal of Professional Nursing*, 8, 209-220.
- Carson, V. B. (1993). Prayer, meditation, exercise & special diets: Behaviors of the hardy person with AIDS. *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, 4(3), 18-28.
- Diener, E.; Wolsic, B.; & Fujita, F. (1995). Physical attractiveness and subjective well-being. *Journal of Personality & Social Psychology*, 69, 92-129.
- Diener, E.; & Myers, D. (1995). Who is happy? *Psychological Science*. 6(1), 10-19.
- Earnshaw, E. I. (1998). *Religious orientation and meaning in life: An exploratory study*. Ecsay presented to control Methodist Church, University of Missouri.
- Francis, I. J.; & Katz, Y. J. (2002). The religiosity and happiness: A study among Israeli female undergraduates. *Research in the Social Scientific Study of Religion*. 13, 75-86.
- French, S.; & Joseph, S. (1999). Religiosity and its association with happiness, purpose in life and

- self-actualization. *Mental Health, Religion & Culture*, 2, 117-120.
- Hannah, E.; & Morrissey, C. (2001). Correlate of psychology hardiness in Canadian adolescents. *Journal of Social Psychology*. 1271(4), 334-339.
- Hannah, T. E. (1986). *Some correlates of psychological hardiness in the elderly*. Unpublished Manuscript.
- Hettler, T. R.; & Cohen, L. H. (1998). Intrinsic religiousness as a stress-moderator for adult protestant churchgoers. *Journal of Community Psychology*, 26, 597-609.
- Hood, R. W.; J. R. (1976). The usefulness of indiscriminately pro and anti categories of religious orientation. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 17, 419-431.
- Hallahmi, B.; & Argyle, M. (1997). *The psychology religion behavior, belief & experience*. London & New York. Routlage. London.
- Jones, J. W. (2003). *Religion and health*. Rutgers University, New Brunswick, NJ, USA. www.rci.rutgers.edu/~jwj/socratescours.htm.
- Lewis, C. A.; Lanigan, C.; Joseph, S.; & De Fockert, J. (1997). Religiosity and happiness: No evidence for an association among undergraduates. *Personality & Individual Differences*. 22, 119-122.
- Milevsky, A. (2002). *Religion well-being in adult and older adults*. Florida International University. www.fiu.edu.
- Maddi, S. R. (2002). *The role of hardiness and religiosity in depression and anger*. Second biannual international conference on personal meaning: Freedom, responsibly and justice (July 18-21 2002). <http://www.meaning.ca/conference/program.doc>.
- Meadow, M. J.; & Kahoe, R. D. (1984). *Psychology of religion: Religion in individual lives*. New York. Harper & Row.
- Poloma, M. M.; & Pendelton, B. F. (1990). Religious domains and general well-being. *Social Indicators Research*, 22, 255-267.
- Sanua, V. D. (1969). Religion, mental health, and personality: A review of the empirical studies. *American Journal of Psychiatry*, 125, 1203-1213.
- Sdorow, L. M.; & Rickabowgh, Cheryl, A. (2002). *Psychology*. McGraw-Hill.
- Shahidi, S. (1992). Beliefs and fears underlying the type A behavior pattern in adolescents. *British Journal of Medical Psychology*, 65, 187-196.
- Veenhoven, R. (1992). *Happiness in nations*. Erasmus University, Rotterdam, Netherlands.
- Veenhoven, R. (1984). *Conditions of happiness*. Kluwer Academic.